

گفت‌وگو با محمد ناصری دبیر دوازدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ویژه کتاب‌های قرآنی

# آثار قرآنی مناسب، محصول زیست قرآنی است

بهرورضایی

بفرستند. در دوره‌های عادی، حدود ۶۵۰ ناشر در جشنواره مشارکت می‌کنند و در این جشنواره فقط ۷۷ ناشر مشارکت کرده‌اند. شما وقتی راجع به کتاب کمک‌درسی فراخوان می‌دهید، اینجا پر از کتاب می‌شود؛ اما راجع به قرآن همه ناشران ما کار نکرده‌اند و تولیدشان بسیار کم است.

**چرا؟** خب از نظر شما چرا این قدر کم است؟ با آنکه به نظر می‌رسد استقبال مردم از آثار قرآنی هم اندک نیست؛ چرا کم تولید می‌شود؟

به نظر من دلایل مختلفی وجود دارد. یکی این است که ما در جامعه، به ظاهر امور بیشتر از باطن آن‌ها توجه می‌کنیم. شما می‌دانید پس از بعثت رسول خدا(ص)، به فاصله اندکی اقامه نماز بر پیامبر واجب شد. ما مسلمان‌ها راجع به نماز که «قربان کل تقی» است، بیشتر به چه چیزی توجه می‌کنیم؟ بیشتر حواسمان به مخارج حروف و ادای درست حروف است یا حضور قلب در نماز و توجه به بعد معنوی نماز و اینکه وسیله‌ای برای قرب الهی و نزدیکی به خداوند است؟

در تولیدات قرآنی، ما می‌توانیم حدس بزنیم که آثار مربوط به خط و تذهیب و قاب و چاپ نفیس قرآن احتمالاً به مراتب بیشتر از آثار مربوط به محتواست. کسی با خوش‌نویسی قرآن مخالف نیست؛ اشکالی ندارد؛ اما آیا نزول قرآن با این هدف بوده که آن را با زیباترین خط‌ها بنویسیم و با زیباترین شکل تذهیب کنیم یا این بوده که آیات و مفاهیم قرآن در زندگی ما مسلمان‌ها

**چرا؟** کتاب‌های قرآنی، در سال‌های گذشته هم، مثل سایر کتاب‌ها، در جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد مورد بررسی قرار می‌گرفت. چه سیاستی موجب شد که جشنواره دوازدهم، مختص کتاب‌های قرآنی بشود؟

من با یک آیه از قرآن شروع می‌کنم: وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا (فرقان / ۳۰): پیامبر به پروردگار عرض کرد که قوم و امت من قرآن را مهجور قرار دادند. این متن قرآن است. اگر به وصایای پیامبر اکرم(ص) هم توجه کنید، توصیه به قرآن و عترت مهم‌ترین توصیه ایشان است. این قصه پرغصه بی‌توجهی به قرآن، متأسفانه در طول تاریخ وجود داشته است.

ما نقش قرآن در زندگی، دچار ظاهربینی و ظاهر دوستی هستیم. ما ظاهراً زندگی‌هایمان را با قرآن شروع می‌کنیم و اول ازدواج با آینه و شمعدان قرآن می‌بریم؛ مرده‌هایمان را با قرآن بدرقه می‌کنیم؛ وقتی کودکیمان به دنیا می‌آید در گوش او حمد و سوره می‌خوانیم؛ اما قرآن در متن زندگی ما جا ندارد. در اصل قصه، قرآن مهجور است.

خود ما در یازده دوره گذشته جشنواره کتاب‌های رشد، به کتاب‌های قرآنی، با همان چشمی نگاه کرده‌ایم که به بقیه موضوعات؛ یعنی مثل فیزیک و شیمی و درس دیگر به آن نگاه کرده‌ایم.

البته در شعار ممکن است خیلی از قرآن و مفاهیم قرآنی سخن بگوییم؛ مثلاً در سند تحول بنیادین یا در برنامه درسی ملی بارها به آن تکیه کنیم؛ اما در عالم واقع چه اتفاقی می‌افتد؟ این جرقه باید زودتر از این در ذهن ما می‌زد. اما به حکم اینکه ماهی را هر وقت از آب بگیریم تازه است، حالا رسیده‌ایم به برگزاری مستقل جشنواره قرآنی.

ما فقط کتاب‌های چهار سال را فراخوان داده‌ایم که برایمان



نقش آفرینی کند؟

یک زیبایی وجود دارد و زیبایی قرآن هم صوت نیکوست؛ اما این صوت نیکو و حسن ما را به چه چیزی و چه مفهومی دعوت می‌کند؟ من می‌گویم نویسندگان وقتی رشد می‌کنند که زمینه مناسب در جامعه وجود داشته باشد.

این آیات به فراخور فهم و ذوق و علائق مخاطبین، باید در روزگاران مختلف در دسترس مخاطب قرار گیرد. خصوصاً برای ما فارسی‌زبان‌ها، ترجمه و تفسیر قرآن همواره موضوعیت دارد. قرآن در سطوح مختلف و برای مخاطبان گوناگون باید تبیین شود. پس ما باید راجع به تبیین مفاهیم قرآنی تولیداتی داشته باشیم که متناسب با مخاطب ما در آموزش و پرورش (دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی) باشد.

**چون‌آه خب، آیا این‌طور به دور نمی‌افتیم؟ بچه‌های ما برای آنکه زیست قرآنی پیدا کنند، باید با قرآن آشنا باشند و بنابراین باید نویسندگانی آن‌ها را با مفاهیم قرآن و سبک زندگی قرآنی آشنا کرده باشند. از سویی می‌فرمایید نویسندگان وقتی تحریک و تشویق به نوشتن می‌شوند و دست به قلم می‌برند که جامعه زیست قرآنی داشته باشد. بالاخره برای وقوع این آشنایی باید از جایی شروع کرد.**

**چون‌آه با این فرمایش، آیا مقصود شما این است که نویسندگان در نوشتن و خلق آثار قرآنی کم‌کاری می‌کنند؟ اگر این‌طور باشد چه کسی باید نویسندگان را به خلق آثار بیشتر و مناسب‌تر سوق بدهد و تشویق کند؟** یک بخش از اشکال، همین چیزی است که شما می‌گویید. اما باید توجه داشت که نویسنده‌ها جدا از جامعه نیستند؛ آن‌ها قشر فرهیخته‌ای از همین جامعه‌اند. مشکل اصلی این است که در جامعه ما «زیست قرآنی» وجود ندارد تا نویسندگان تولیدات قرآنی داشته باشند. این فضا، فضایی نیست که در آن زندگی قرآنی جریان داشته باشد و رشد و بالندگی جدی صورت بگیرد تا نویسنده هم از آن اثر بپذیرد و بنویسد.

بله بخشی از حرفتان درست است. اما برای آنکه مقصودم را بیان کنم، بگذارید از زاویه دیگری موضوع را طرح کنم. در سال‌های پیش از انقلاب افرادی که در زمینه قرائت و حفظ قرآن فعالیت می‌کردند، خیلی کمتر از سال‌های بعد از انقلاب بودند - من هیئت‌های آن زمان را یادم هست - در انقلاب، تحول و اتفاق خیلی عجیبی افتاد. مسابقات فراوانی پیرامون قرائت و حفظ شکل گرفت. هیئت‌های قرآنی و جلسات گوناگون شکل گرفت؛ نهضتی در این زمینه به وجود آمد که در این نهضت همه به میدان آمدند؛ مدرسه کمک کرد، مسجد کمک کرد و همه کمک کردند و توجه به حفظ، تجوید، لحن و صوت گسترش

بله در حوزه قرآن و صوت و قرائت قرآن، حتماً تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. از قرآن بهره‌های فراوانی می‌شود برد. یک بخش لذتی است که از شنیدن قرآن می‌بریم. فرموده‌اند برای هر چیزی



پیدا کرد؛ اما این اتفاق و این نهضت و این توجه هیچ‌گاه در حوزه مفاهیم قرآن اتفاق نیفتاد.

استاد مطهری در جایی می‌فرماید آن قدر که ما - یعنی جامعه روحانیت - به فقه اهمیت می‌دهیم، به قرآن و تفسیر اهمیت نمی‌دهیم. خب جامعه روحانیت، در این قضیه نقش کلیدی دارد. البته معلمان، مربیان، پدران و مادران و دیگران هر کدام سهمی در این میانه دارند. وقتی که بچه‌ها را برای مسابقات حفظ و قرائت می‌برند، آموزش و پرورش حمایت می‌کند، مسجد محل حمایت می‌کند، افراد خانواده و فامیل حمایت می‌کردند، صدا و سیما هم حمایت می‌کرد. آیا شما در حوزه درک مفاهیم قرآنی هم همین حمایت‌ها را می‌توانید مشاهده بکنید؟ ما در این زمینه فقط برنامه «درس‌هایی از قرآن» را داشته‌ایم که در آن آقای قرائتی سعی کرده است مفاهیم قرآنی را در سطح عامه مردم طرح کند. غیر از این هر چه بوده، تخصصی بوده است که مخاطب اندک و خاص دارد.

**چوایه ما در کشور شاید دو هزار مؤسسه قرآنی ثبت شده و رسمی داشته باشیم که البته همان‌طور که شما هم اشاره کردید، بیشتر در زمینه قرائت و حفظ و آموزش‌های حضوری و شفاهی فعال‌اند. اما افرادی هستند که لزوماً از صدای خوبی برخوردار نیستند یا حافظه خوبی برای حفظ قرآن ندارند. خب این افراد بخت زیادی برای جذب توسط مؤسسات قرآنی ندارند. احتمالاً برای آشنایی آن‌ها با قرآن باید از مواد و منابع مکتوب استفاده کرد. حالا به نظر شما سهم کدام‌یک از گروه‌های جامعه در تولید مواد و منابع مکتوب قرآنی بیشتر از بقیه است؟** وقتی قرار است یک اتفاق فرهنگی بزرگ از این دست بیفتد، باید همه به سهم خودشان مشارکت کنند. برخی از نهادها و مراکز مانند وزارت ارشاد و آموزش و پرورش و صدا و سیما و روحانیت که نقش تربیت‌کننده را دارند، پیداست که نقش آشکار و بارزی دارند. یک بخشی هم به عهده حوزه نشر و ناشران است که به نظر می‌رسد کمتر به نشر امور قرآنی بها داده‌اند. در مراحل بعد هم خانواده‌ها قرار دارند و کم‌سهم‌ترین افراد و گروه در این میانه خود بچه‌ها هستند. البته مهم‌ترین و اصلی‌ترین گروه هم بچه‌ها هستند.

ما در حوزه عترت هم با این مسئله مواجهیم. ما خیلی چیزها را در سطحی‌ترین شکل خودش به نمایش می‌گذاریم. در قدیم، در مجالس روضه‌خوانی ما موعظه غالب بود و امروزه غلبه با مداحی و ابراز احساسات مذهبی است. در میان این آدم‌های علاقه‌مند به مذهب، حتماً هستند آدم‌هایی که با کتاب انس می‌گیرند. گروهی از این جامعه بزرگ که برای امام حسین عزاداری می‌کنند و سینه می‌زنند می‌خواهند به اطلاعات عمیق‌تری راجع به اهداف امام حسین برسند. یک بخش از این بر عهده حوزه نشر است. حوزه نشر که می‌گویم اعم از نویسنده و ناشر و گرافیکست و همه

عوامل است.

حتماً برخی از آن‌ها می‌خواهند یک قدم از سطح احساسات بالاتر بیایند. اما می‌بینیم در این زمینه‌ها خلأهای زیادی داریم؛ زبان مخاطب را نمی‌شناسیم، کتاب‌سازی خیلی جذابی نداریم و حمایت‌های لازم هم دیده نمی‌شود.

وقتی شما می‌خواهید به یک نفر که علاقه‌مند به خط است یک کتاب نفیس قرآنی هدیه دهید، می‌توانید در بازار چند کتاب مناسب در این زمینه پیدا کنید. اما اگر بخواهید به یک کسی که علاقه‌مند به خواندن داستان و رمان است، قصه قرآنی هدیه کنید، چند قصه قرآنی خوب سراغ دارید؟ اگر در جامعه نشر، آثار متنوع قرآنی تولید شده باشد، ما می‌توانیم به نیازهای افراد مختلف با ذائقه‌های مختلف جواب بدهیم.

متأسفانه ناشران و نویسندگان ما به‌نظر می‌رسد به‌طور جدی به این مقوله فکر نمی‌کنند و به‌طور جدی برای آن برنامه‌ریزی نمی‌کنند و اگر گاهی کاری می‌کنند، تعدادی هستند که برای دل خودشان است.

**چوایه شما فرمودید چندین مرکز و نهاد در این کار سهیم‌اند. اما اجازه دهید، ما به سراغ خودمان در معاونت سامان‌دهی بیابیم. ما در این سال‌ها تلاش کرده‌ایم با شناسایی و معرفی کتاب‌های مناسب در کتاب‌نامه‌های رشد، در وبگاه سامان‌کتاب، در مجلات رشد و در انتهای کتاب‌های درسی و معرفی به مؤسسه‌های خرید کتاب، از کتاب‌ها حمایت کنیم. آیا کار دیگری هست که بتوانیم برای ناشران انجام بدهیم تا این کار رونق بگیرد؟**

حتماً بیش از این‌ها می‌توانیم به ناشران کمک کنیم. ما در جشنواره کتاب رشد، می‌رسیدیم به اینکه مثلاً در حوزه‌هایی مشکلاتی وجود دارد و برای آن‌ها کارگاه‌هایی را با هدف تبیین برنامه درسی یا تولید کتاب‌های مناسب آموزشی می‌گذاشتیم. ما می‌توانیم آسیب‌های حوزه تولید کتاب‌های قرآنی را شناسایی و دسته‌بندی بکنیم و نتیجه را به ناشران فعال این حوزه، به فراخور سهمی که دارند، انتقال دهیم.

ما می‌توانیم کارگاه‌های آموزشی مختلف بگذاریم برای نویسندگان تا محتوای قرآنی را با تکنیک‌های پیشرفته‌تر بنویسند. می‌توانیم کسانی را که دستی بر قلم دارند، جمع کنیم و از کتاب‌های تولید شده در این حوزه حمایت کنیم. می‌توانیم برای همین هفتاد و چند ناشر کارگاه تولید کتاب‌های قرآنی بگذاریم. می‌توانیم در وهله اول از ناشران آموزش و پرورش شروع کنیم و دور هم جمع شویم و برنامه‌ریزی کنیم برای کارهای قرآنی. البته جسسته و گریخته کارهایی شده است؛ اما زمان آن است که با برنامه‌ریزی حرکت کنیم.

**مشکل اصلی این است که در جامعه ما «زیست قرآنی» وجود ندارد تا نویسندگان تولیدات قرآنی داشته باشند**